آندره یولس؛ سرآغاز روایت شناسی ساختارگرا

خراسانی، محبوبه

یولس‏ در تقسیم‏بندی‏ ای که در میان‏ پژوهشهای‏ ادبی و تاریخ‏ تکامل آنها انجام‏ می‏دهد،به‏ متمایزسازی‏ سه مبحث‏ «زیبایی‏ شناسی»، «تاریخ»و «ریخت‏ شناسی» آن‏ می‏پردازد

آندره یولس (A.Yolles) در نیمه دوم قرن نوزدهم در هلند متولد شد.ولی بعدها تابعیت آلمانی یافت و استاد دانشگاه شد. مهم‏ترین کتاب او«پژوهش در اشکال ساده بیان ادبی»است؛چه‏ نظام سخن اینها را جزو بیان ادبی رده‏بندی کند چه نکند.آثار یولس که بدون ارتباط با پراپ و فرمالیستها نوشته شده است،به‏ همراه آثار فرمالیستها،تأثیر مستقیمی بر پژوهش‏گران و منتقدان‏ ساختگرا داشته،و راهگشای موضاعات نظری-روشی،در پیش‏نهادهای ساختارگرایی است.یولس می‏پنداشت که شناخت‏ این شکلهای ساده،راهی برای درک شکلهای پیچیده‏تر قالبهای‏ ادبی امروزین است.به نظر وی،شکل ساده که در ساخت زبانی‏ بیان می‏شود.مبتنی است بر اصول بنیادین اندیشه انسانی،که‏ محدود و قابل شمارش است و به همان نسبت جنبه‏ای فرامکانی‏ و همه‏گیر دارد.

این پنداشت از شکلهای ساده را با«کشف مناسبات‏ درونی نمادها»که لوی‏ استروس‏ (C. LeviStrausse) بنیان نهاده است، می‏توان مقایسه کرد1. به نظر یولس،بین‏ اشکال بیان ادبی و زبان، ساختار مشابهی وجود دارد؛ همچنان که سازماندهی‏ ذهن بشر و انتظام چیزها، نامیدنها و...،یعنی شناخت‏ مناسبات بین آنها و جهان، صرفا از طریق کنشهای زبان‏ شناسانه پدید می‏آید-چه کنش‏ درون زبانی و چه‏ کنش ارتباطی.به‏ همین خاطر،یولس‏ پژوهش خود را درباره‏ این شکلهای ساده، دستور زبان شکلهای‏ ساده ادبی می‏نامد.وی معتقد است که کاربرد این اشکال‏ در ادبیات،معادل کاربرد افعال و اسامی در زبان‏ است.و هیچ اجتماعی‏ نیست که در آن،از این‏ اشکال خبری نباشد.

یولس مجموعه اشکال‏ ساده‏اش را به نه شکل‏ محدود می‏کند.ولی مدعی‏ کامل بودن نظریهء خود نیست؛بل‏ اذعان می‏دارد که شکلهای دیگری را نیز می‏توان به آنها افزود.زیرا نظام شکلهای‏ ساده،نظامی باز است:

محبوبه خراسانی

1.افسانه‏های مقدس 2.افسانه‏های پهلوانی 3.اسطوره 4. چیستان 5.کلام نغز 6.تمثیل 7.گزارش 8.حکایت 9.لطیفه.

برای مثال،می‏توان به این مجموعه،حکایات حیوانات، داستانهای کودکان،دعاها،ترانه‏های عامیانه و..را نیز افزود.

او می‏گوید:«هرچه این فهرست کامل‏تر باشد،نظریه او نیز دقیق‏تر خواهد بود2.

به نظر یولس،هر کدام از اشکال پیشنهادی او،به دنبال طرح‏ یک نیاز به وجود آمده است؛و شناخت این موارد نیز،باید در پرتو برآوردن همان نیاز باشد.این‏گونه برخورد کارکردگرا،باعث تمیز دادن شکلهای گوناگون از هم می‏شود:مثلا قصه،راهی است برای‏ شکستن موانع،و رسیدن به عدالت.

یکی از وجوه تفاوت بین زبان و اشکال ساده در نظر یولس،وجود پاسخی اخلاقی به نیاز موجدهء شکلهاست؛در مقابل موارد زبانی-دستوری،که‏ هیچ الزامی در پاسخگویی اخلاقی‏ ندارد.

نکته جالب‏توجه دیگری‏ که از تدقیق در روش یولس‏ می‏آید،تأثیری است که از گوته-هم‏چنین پراپ‏3- پذیرفته است.گوته در کتاب‏ «اصول ومفاهیم‏ فیزیولوژی گیاهی»،به‏ مفهوم گشتالت یا هیئت اثر ادبی اشاره می‏کند،و پیشنهادی برای ایجاد علم«ریخت‏شناسی» می‏دهد؛و خود، نظریه‏ای دربارهء ریخت‏شناسی گیاهان ارائه‏ می‏کند.یولس نیز به تأسی از کار گوته،کار خودش را «گونه‏ای پژوهش در گشتالت اشکال ساده» می‏دانست.

یولس در تقسیم‏بندی‏ای که‏ در میان پژوهشهای‏ ادبی و تاریخ تکامل آنها انجام می‏دهد،به‏ متمایزسازی سه مبحث‏ «زیبایی‏شناسی»،«تاریخ» و«ریخت‏شناسی»آن‏ می‏پردازد.

فصول نه‏گانهء یولس را به‏طور گذرا،مرور می‏کنیم:

1.افسانه‏های مقدس:یولس سرچشمه این‏ «نوع»را،در افسانه‏های مسیحی‏ای می‏دانست که‏ در کلیسای کاتولیک مطرح شده بود.این افسانه‏ها،نوعی کنش‏ آیینی تلقی می‏شدند،که اساس آنها زندگی قدیسان بود.این‏ زندگیها،که به«اعمال شهیدان»نیز مشهور بودند،روایاتی از سلوک‏ قدیسان در سده‏های میانه بودند،که بیشتر به صورت شفاهی در میان مردم موجود بودند.افسانه‏های مقدس،یعنی زبانی که با آن‏ عمل قدیسان بیان می‏شد.

2.افسانه‏های پهلوانی:آنچه افسانه‏های پهلوانی بدان‏ می‏پرداخت،جنبه ناسوتی افسانه‏های قدیسان بود که در اقوام‏ گوناگون در شرح پهلوانیها و حماسه‏های بزرگان پدید می‏آمد و پیوندهای نسبی،خانوادگی و قومی را بیان می‏کرد.به نظر یولس، شاهزادگی و جانشینی،از موضوعات کلیدی در این شکل ساده‏ است.وی از عهد عتیق،ایلیاد هومر و نیز افسانه‏های نیلبونگ در این بخش یاد می‏کند.

3.اسطوره:این بخش از کتاب یولس،امروزه دیگر کاربرد ندارد و تنها به عنوان قسمتی از ادبیات اسطوره‏شناسی و نیز جنبه‏های تاریخی‏اش قابل توجه است.مباحثی که در آثار ارنست‏ کاسیرر،لوی استروس،ژرژ دو مزیل و دیوید بیدنی آمده است،اعتبار این مطالب یولس را مخدوش کرده است.اما نکته اساسی‏ای که‏ در کار وی هنوز هم معتبر می‏نماید،مناسبت بین خرد اسطوره، یعنی میتوس و لوگوس است‏3.

4.چیستان:این شکل همواره واکاوی پرسشی و پیدا کردن‏ پاسخی است که حتی تا امروز هم باقی است.مسابقات رادیویی‏ و تلویزیونی،جدولهای روزنامه و....همهء انواع این شکل ساده‏ هستند.شاید این شکل،تشابهی با اسطوره داشته باشد.با این‏ تفاوت که در اسطوره پرسش و پاسخ است،ولی معما،صرفا پاسخ‏ را جستجو می‏کند.در اسطوره ما پرسندگانیم و هیئت کلی اسطوره، پاسخی است به ما،برای شناخت و تبیین پیرامون خود،به مثابه‏ یک کل.اما در چیستان،شخصی سؤالی را برای دیگری مطرح‏ می‏کند؛و تنها اوست که جواب را می‏داند.همریشگی معما با عمی‏ (نابینایی)در بسیاری از زبانها،یافتنی است.در چیستان،هدف‏ یافتن حقیقت نیست،بلکه بیرون آوردن واقعیتی است پوشیده در ظلمت.پس،این زبان،یعنی زبانی که معنی را در لفافه بپیچاند، زبانی ادبی است.

یولس به بازپرسها در دادگاه اشاره می‏کند و کار آنها را گونهء پیچیده‏ای از چیستان می‏پندارد.

5.کلام نغز(ضرب‏المثل):کلامی ساده و مختصر،مانند شکل چیستان،که در معنی پوشیده است و،به قولی،چکیدهء ناب‏ سخن را باز می‏تاباند.تمام کلامهای نغز،مبتنی بر آزمایش و تجربه‏ هستند.یولس کارکرد آموزشی این شکل را در مرتبهء دوم،یعنی‏ پس از بیان ادبی آن،قرار می‏دهد.آنچه را که برای کلام نغز اصیل‏ می‏پندارد،سویهء آواشناختی آن است.به نظر وی کلام،نغز باید روانی و خوش‏آهنگی داشته باشد،تا تکرار آن،تسهیل شود.

6.تمثیل:هرگاه روایتی،برای بیان قاعده‏ای(حقوقی،دینی، اجتماعی و...)به کار گرفته شود و آن قاعده را تشریح کند،تمثیل‏ پدید می‏آید.این شکل ساده،به خلاف کلام نغز،می‏تواند پر و بال‏ بیابد و فربه شود:بیان حکمی اخلاقی نظیر«از مکافات عمل غافل‏ مشو»تنها همین جمله را با پیام-ارزشی خاص خود باز می‏نمایاند، و نمی‏تواند زیادت شود.اما«حکایت تیرانداز و ماده شیر»در کلیله‏ و دمنه به شیوه‏های گوناگونی،گاه تا چندین صفحه پرداخته شده‏ است.در بسیاری از کتابهای دینی و اخلاقی،برای روشن شدن‏ نکته‏ای،از تمثیل استفاده می‏شود.در همین راستا،از تمثیلهایی‏ که اشخاص داستانهای«هزار و یک شب»برای اقناع یکدیگر می‏آورند.می‏توان نمونه آورد:در این حکایتها خود تمثیل،تبدیل‏ به یک داستان درونه‏گیری شده می‏شود.نظیر داستان زن وزیری‏ که پادشاه به او چشم داشت،و تمثیلی که پدر زن وزیر برای پادشاه‏ می‏گوید و...

7.گزارش:این نوع را یولس شکلی می‏دانست که امروزه در روزنامه‏ها کاربرد همگانی دارد.او ضمن آوردن مثالی از روزنامه‏ای‏ قدیمی؛به شرح گزارش می‏پردازد.وی همچنین گزارش تاریخی‏ را که در یونان باستان رواج داشته،مثال می‏زند:سقراط می‏میرد، و گزارش مرگ و آخرین دفاع و نیز گفتگوی وی با شاگردانش، ارائه می‏شود.به نظر یولس،گزارش،نوعی بیان ذهنی اتفاقات‏ است.به عبارت دیگر،گزارش یعنی تأویل کنشی که اتفاق افتاده‏ است.

این بخش از کتاب یولس،همخوانی جالبی با نظریه‏های پل‏ ریکور دارد4.

8.حکایت:یولس شرح می‏دهد که تا پیش از انتشار مجموعه‏ برادران گریم در آلمان،حکایت،بیان ادبی شمرده نمی‏شد.او پس‏ از شرحی دربارهء معنای حکایت و تشریح نامه‏هایی که بین برادران‏ گریم و آرنایم رد و بدل شد و نیز تأویل مباحث فلسفه،بحثی دربارهء تکامل-انواع حکایت-از نوول در پایان سده‏های میانه تا حکایتهای‏ کوتاه و دکامرون بوکاچیو-را مطرح کرد.

یولس تاریخ حکایتگری را تنها تا جنبش رمانتیسم بررسی‏ کرده است.وی در این بخش از کتابش،به تمایز زبانی میان‏ افسانه‏های مقدس و افسانه‏های پهلوانی با حکایت پرداخت.او معتقد است که اگر اخلاق را در این پرسش کانتی،یعنی«چه باید بکنم؟»،«خلاصه کنیم،آن‏گاه حکایتها جای مناسبی برای‏ پاسخگویی آنها نخواهد بود5.

9.لطیفه:این‏گونه،از ابتدا در جوامع بشری موجود،ولی از نظر زمانی و مکانی جدا بوده است.برای مثال،لطیفه‏های ایرانی‏ از لطیفه‏های عربی جدا هستند،و یا اینکه لطیفه‏های دورهء نادری‏ و دیگر برای ما چندان جالب نیستند.

یولس معتقد است که لطیفه‏ها،آگاهی سریع و بی‏واسطه‏ای‏ هستند از کاستیهای قواعد و موازین اخلاقی،اقتصادی،اجتماعی‏ و...به نظر وی،لطیفه سرآغاز رمان‏نویسی است.و برای تأیید سخنش،«دون کیشوت»را نمونه می‏آورد.

کاری را که یولس می‏خواست پی بگیرد،پیدا کردن این شکلهای‏ ساده،به عنوان عناصر بنیادی در اشکال پیچیده هنری بود.

پی‏نوشت‏ها:

propp1.proppṣVladimir:Morphology of the .1 ، Austin.ṣTake1968.ṣScattfolk Translatedby Lavrenco Strauss.cLevi:Lecraetl ecuitparisṣ .662.P.1964

3.احمدی،بابک:ساختار و تأویل متن،2 ج،چاپ سوم،نشر مرکز،تهران‏ 1375.ص‏149

4.ضیمران،محمد:گذار از جهان اسطوره به فلسفه.چاپ اول نشر هرمس، تهران 1379.

5.منشی،ابو المعالی نصر الله،کلیله و دمنه،تصحیح مجتبی مینوی،چاپ‏ بیستم 1380،امیر کبیر،تهران،ص 334

6.احمدی،بابک:حقیقت و زیبایی،چاپ اول،نشر مرکز،تهران 1374

c.Levistrausseṣ1964ṣp.66 .1 2.بابک احمدی؛1375.

3.محمد ضمیران؛1379.

4.بابک احمدی؛1374.

5.بابک احمدی؛1375.